

واکاوی حق ورزشی زنان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اکرم فضل‌خانی^۱

چکیده

توجه و ارزش‌گذاری نسبت به کرامت انسانی یکی از مؤلفه‌های مهم اسلام است. طبق این اصل، در حرمت‌گذاری بین مخلوقات تفاوتی نیست و هر دو جنس زن و مرد، از حقوق خاص خود برخوردار هستند. با توجه به این مهم، زنان نیز طبق آیات قرآن و نیز بر اساس سنت و روایات، در جامعه اسلامی مورد توجه بوده و از ارزش‌های والای انسانی برخوردار می‌باشند. یکی از حقوق مهم زنان، حقوق ورزشی است که در این مقاله سعی شده بدان پرداخته شود. روش کار در این مقاله به این ترتیب است که ابتدا به بررسی شرایط و حقوق زن در اسلام می‌پردازیم و بعد تحولی که اسلام در این شرایط و حقوق به وجود آورد، مطالعه می‌شود و سپس موانع و مشکلات حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی از جمله امور ورزشی و حق آنان در قانون اساسی ایران بررسی می‌شود. در نهایت به بررسی این موضوع بعد از انقلاب و در دهه اخیر می‌پردازیم. سؤالی که در این مقاله به دنبال پاسخ به آن هستیم این است که آیا اسلامی بودن ایران و پیروزی انقلاب اسلامی تأثیری بر حقوق زنان از جمله حق ورزشی آنان داشته است؟ پاسخی که داده می‌شود در این قالب است که دستاوردهایی که زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی از جمله ورزش داشته‌اند، روند رو به رشدی داشته و این روند کماکان ادامه نیز دارد و در برنامه‌ریزی‌های مختلف نهادها به حقوق زنان در این عرصه بیش از پیش توجه می‌شود.

کلمات کلیدی: زنان، قانون اساسی، حقوق زنان، ورزش، حق ورزشی، جمهوری اسلامی.

مقدمه

مسائل مرتبط با زنان در طول تاریخ و به‌خصوص در سده‌های اخیر از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است. زنان به عنوان بخش مهمی از جامعه انسانی، در عرصه‌های مختلف فردی و جمعی، منشاء تحول و تأثیر بوده‌اند. حضور زنان در اجتماع و حقوق آنان تابع عوامل مختلفی از جمله فرهنگ آن جامعه و دیدگاه آن کشور نسبت به حقوق زنان است.

با مطالعاتی که در زمینه حقوق زنان در دوران قبل از اسلام صورت گرفته، به این موضوع برخورد می‌کنیم که زنان و مردان در دوران جاهلیت دارای اختلافات حقوقی فراوانی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بودند و زنان از ابتدایی‌ترین حقوق خود از جمله ارث، طلاق و ... منع می‌شدند. تاریخ گواه زنده به گور کردن زنان و دختران بی‌گناهی است که به جرم جنسیت خود باید از ابتدایی‌ترین حق که نفس کشیدن بود محروم می‌شدند.

با طلوع اسلام، روندی رو به جلو در حقوق زنان پدیدار شد و زنان توانستند به برخی حقوق اولیه خود دست یابند. حقوق زنان و برابری زنان و مردان بارها در قرآن به طرق مختلف مورد اشاره قرار گرفته است. در این رابطه خداوند در قرآن می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»، هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد. (نحل، ۹۷)

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و هم‌زمان با تحولاتی که در زمینه‌های مختلف رخ داد، در قانون اساسی نیز به حقوق زنان توجه ویژه‌ای به عمل آمد و به موارد مختلف از جمله مشارکت زنان در امر قانون‌گذاری در سطوح کلان، اشتغال زنان در نهادهای دولتی و جایگاه‌های مهم پرداخته شد و زمینه پیشرفت قابل توجهی برای آنان فراهم شد که این مسئله هم‌چنان روندی رو به رشد دارد. در کنار سایر حقوقی که برای زنان پررنگ‌تر شد، حق ورزشی زنان و حضور آنان در مسابقات جهانی، منطقه‌ای و المپیک‌ها و کسب دستاوردها و مدال‌های ورزشی بوده است.

در این مقاله سعی داریم به بررسی حقوق زنان از جمله حق ورزشی آنان بپردازیم. روش کار در این مقاله به این ترتیب است که ابتدا به بررسی شرایط و حقوق زن در اسلام می‌پردازیم و بعد تحولی که اسلام در این شرایط و حقوق به وجود آورد، مطالعه می‌شود. سپس به بررسی حق ورزشی زنان بعد از انقلاب و در دهه اخیر و نیز در قانون اساسی ایران می‌پردازیم.



۱- نگاهی به حقوق زن در اسلام

قبل از اسلام و در دوران جاهلیت، زنان جایگاه حقوقی در اجتماع نداشتند و جنس درجه دو به حساب می‌آمدند و حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنان کاملاً نادیده گرفته می‌شد. از لحاظ اجتماعی حق انتخاب نداشتند و باید توسط مردان انتخاب می‌شدند و حق طلاق با مردان بود. از لحاظ سیاسی نیز هیچ‌گونه مشارکت سیاسی نداشته و در خدمت مردان قبیله بودند. از لحاظ مالی دارای حق ارث نبوده و مردان به دلیل این‌که نان‌آور خانواده بودند، وارث شناخته می‌شدند.

این روند با طلوع و ظهور اسلام رنگ دیگری به خود گرفت و زنان در کنار مردان از حقوق مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... بهره‌مند شدند. در اسلام، تساوی ارزشی بین زن و مرد و نیز یکسان بودن راه ترقی برای آن دو، یک اصل اساسی است و از اصول مسلم دینی به حساب می‌آید. از جمله حقوق زنان که با ظهور و بروز اسلام به آن توجه ویژه‌ای شد، حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان بود که با تاسی به قرآن کریم و بررسی اسناد و کتب اسلامی مختلف می‌توان شاهد این پیشرفت بود. افتخار نظام حقوقی اسلام این است که از همان ابتدا زنان را دارای حقوق اقتصادی مانند حق مالکیت و توارث، حقوق سیاسی از جمله بیعت و انتخاب، حقوق خانوادگی همچون حق انتخاب همسر، حقوق قضایی چون حق طرح شکایت و مراجعه به مراجع قضایی و حقوق عبادی همچون تشریف به حج واجب شناخته است.

اسلام با در نظر گرفتن مهریه، نفقه و لزوم خوش رفتاری با زن، حقوق مادی و معنوی او را در نظام خانواده تأمین کرده است. در مورد سایر حقوق مالی زن در اسلام نیز باید گفت که زن حق تصرف کامل در اموال خود را دارد و هیچ‌کس نمی‌تواند این حق را از او سلب کند. در خصوص نقش سیاسی زنان نیز بحث بیعت رضوان، عقبه اولی و مسئله غدیر که حضور زنان در کنار مردان مشهود بود، قابل ذکر است. در اسلام زنان چون مردان دارای مسئولیت بزرگ سرپرستی، ولایت و مدیریت اصلاحی هستند. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که برخلاف عصر جاهلیت که از حضور زنان در مسائل سیاسی برای وسوسه دشمن استفاده می‌کردند و با آوردن زنان در میدان جنگ، به رزمندگان خود انگیزه می‌بخشیدند، زن مسلمان در تصمیم‌های بزرگ سیاسی جامعه حضور فعال دارد. در عرصه اجتماع نیز برای زنان امکان حضور فعال فراهم آمده و حقوق زنان در بحث شهادت، قصاص، دیه و همچنین مشارکت فعال زنان در سایر عرصه‌های اجتماعی مانند جایگاه‌های مختلفی که داشتند، گویای این مسئله است.



بعد از بررسی حقوق زنان در اسلام، به بررسی حقوق زنان در قانون اساسی ایران می‌پردازیم تا متوجه این موضوع شویم که زنان در ایران دارای چه حقوقی هستند و تا چه حدی در قانون اساسی ایران از زنان در کنار مردان یاد شده و حقوق آنان محفوظ دانسته شده است.

۲- حقوق زنان در قانون اساسی ایران

همواره وضعیت زنان در تاریخ ایران معاصر، محل مجادلات گوناگون بوده است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شرایط و اوضاع و احوال زنان نیز به تبع شرایط متحول و انقلابی، دچار دگرگونی‌های اساسی و بنیادی شد که در این خصوص، مواضع و دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. به باور گروهی بعد از انقلاب اسلامی، شرایط زنان و حقوق اجتماعی و سیاسی آنان، با چالش‌های جدی و اساسی روبرو شد و زنان از پاره‌ای از حقوق عمومی خود به دور مانده یا به دور نگه داشته شدند. در نگاهی دیگر، انقلاب اسلامی، حوزه زنان و نگاه به زن را تغییر و به سوی افق‌های متعالی و اصیل سوق داد. فارغ از این دو نگرش متقابل با هم، می‌توان در دیدی منصفانه وضعیت زنان را بعد از انقلاب با فراز و نشیب‌ها و کامیابی‌ها و ناکامی‌هایی همراه دانست. در برخی حوزه‌ها وضعیت زنان بعد از انقلاب اسلامی و در نظام برآمده از آن، با بهبود نسبی روبرو بوده است. وضعیت آموزش و تحصیلات زنان، فعالیت‌های ورزشی و هنری، فعالیت‌های سیاسی و مدنی زنان و...، بعد از انقلاب با پیشرفت‌های چشمگیری روبرو بوده است.

اختصاص قسمتی از مقدمه قانون اساسی به موضوع زن، حکایت از میزان بالای توجه و عنایت نظام جمهوری اسلامی به مسئله زنان دارد. در مقدمه قانون اساسی آمده است: «در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استعمار همه‌جانبه خارجی بودند، هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی، طبیعی است که استیفای حقوق زنان به دلیل ستم بیشتری که از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند، بیشتر خواهد بود. خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشدیابنده انسان است، اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات به منظور نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت شیء بودن یا ابزار کار و در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استعمار بودن، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پر ارج



مادری، در پرورش انسان‌های مکتبی پیشاهنگ بوده و هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه، پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود. (قانون اساسی: اصول ۲۰-۲۱-۳)

قانون اساسی پس از مقدمه، در بند چهارده از اصل سوم قانون اساسی، یکی از اهداف جمهوری اسلامی را تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون تعیین کرده است. هم‌چنین در اصل دهم بیان می‌دارد از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط به آن باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق اسلامی باشد. طبق اصل ۲۰، همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، یکسان بوده و در حمایت قانون قرار دارند و همه از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند. در اصل بیست و یکم این قانون نیز، وظایف دولت در قبال تلاش در راستای احقاق زنان بیان و تأکید شده است که دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

- _ ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او؛
 - _ حمایت مادران به‌ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست؛
 - _ ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده؛
 - _ ایجاد بیمه خاص بیوه‌گان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست؛
 - _ اعطای قیومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آن‌ها در صورت نبودن ولی شرعی.
- (همان، اصل ۲۱)

در قانون اساسی و در این اصول، به حضور و تصدی زنان در مناصب مختلف هم اشاره شده و منعی برای آنان در نظر گرفته نشده است. از جمله در مناصبی نظیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی امنیت ملی، شورای بازنگری در قانون اساسی، ریاست سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، عضویت در مجلس خبرگان رهبری، براساس اصول ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۷ و ۱۷۶ قانون اساسی؛ حضور، عضویت و ریاست زنان منع قانونی ندارد. در قانون اساسی احراز چنین مسئولیت‌های خطیر سیاسی با محدودیت قانونی روبرو نیست.



با توجه به جایگاه زن در قانون اساسی، شورای عالی انقلاب فرهنگی به پیشنهاد شورای فرهنگی اجتماعی زنان، منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران را در سال ۱۳۸۳ تصویب کرد که این منشور با الهام از شریعت معتدل و جامع اسلام و مبتنی بر قانون اساسی و اندیشه‌های والای بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی تدوین شد و در سال ۱۳۸۵ تحت عنوان قانون حمایت از حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی در مجلس تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسید.

در واقع بخش دوم بحث زنان حول محور ضمانت اجرایی حقوق زنان در جمهوری اسلامی ایران است. این قانون با دیدی جامع و فراگیر و بر اساس تحقق عدالت و انصاف در جامعه زنان تنظیم و تدوین شده و مشتمل بر حقوق و تکالیف امضایی، تأسیسی و حقوق حمایتی و نیز حقوق مشترک بین همه انسان‌هاست. منشور حقوق زنان به عنوان یک سند مرجع در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری در امور فرهنگی و اجتماعی زنان در ۳ بخش، ۵ فصل و ۱۴۸ بند در سال ۸۵ تصویب شد و کلیه دستگاه‌های ذی‌ربط مکلفند قواعد و اصول مندرج در این منشور را رعایت نمایند.

این منشور می‌تواند مبنای معرفی و تبیین جایگاه زن در نظام جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی نیز قرار گیرد.

با مطالعه موارد فوق به این نتیجه می‌رسیم که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حقوق زنان در اکثر موارد رعایت شده یا برای احقاق آن منع قانونی وجود ندارد و زنان در کنار مردان بدون دغدغه و محدودیتی می‌توانند در عرصه‌های مختلف حضور فعال داشته و پیشرفت کنند.

در ادامه این مبحث، به صورت اختصاصی به بررسی مسئله زنان و ورزش و سپس حق ورزشی آنان در ایران می‌پردازیم.

۳- زن و ورزش

ورزش زنان شامل رقابت‌های حرفه‌ای و آماتور در تمام رشته‌های ورزشی می‌شود. مشارکت زنان در ورزش به تدریج از قرن بیستم میلادی به‌ویژه اواخر این قرن افزایش یافت. این افزایش تحت تأثیر تغییرات جامعه بود که روی برابری جنسیتی تأکید داشت، البته میزان این مشارکت در هر رشته ورزشی و هر کشور تفاوت دارد. ورزش زنان در بعضی رشته‌ها و در برخی کشورها محدودیت‌هایی دارد یا این‌که در دنیا بعضی رشته‌ها مانند تی‌نیس و باله از ورزش مردان دارای محبوبیت بیشتری است.



توجه علم به ورزش، یکی از اصول اساسی در توسعه آن به‌شمار می‌آید. در حال حاضر، توسعه، اساسی‌ترین مقوله مورد بحث در امر ورزش است. بر همین اساس، می‌توان در جهت توسعه و گسترش ورزش بانوان، ضمن سالم‌سازی و پویایی محیط‌های ورزشی، کاربردهای علمی ورزش را در زمینه‌های مختلف فعالیت‌های تربیت بدنی و ورزش مدنظر قرار داد. در این رابطه لازم است فضای لازم برای زایش و بالندگی فرهنگ علمی ورزش در محیط زندگی زنان فراهم گردد، به‌گونه‌ای که ورزش جزء جدانشدنی از زندگی آن‌ها شود و به تدریج به آن خو گیرند. زنان در صورتی به سوی فرهنگ علمی ورزش سوق داده می‌شوند که زندگی آن‌ها به طور نهادی با ورزش سامان بگیرد.

گسترش تحقیقات علمی در باره نقش و جایگاه زن در ورزش و فعالیت‌های بدنی او، نیاز به ترکیب اطلاعات علمی - ورزشی و ارائه روش‌های جدید علمی را بیش از پیش برای ورزشکاران زن پدید آورده است. کنفرانس «زن و علوم ورزشی» در کلرادو در سال ۱۹۸۵م، به منظور تأمین این نیاز طرح‌ریزی شده بود. در آن کنفرانس، بر علوم ورزشی مانند بیومکانیک، فیزیولوژی و روان‌شناسی و زمینه‌های مرتبط دیگر چون تغذیه، آسیب‌ها، کارکرد عادت ماهانه و سالمندی که امروزه بر فعالیت زنان تأثیر بسزایی دارد، توجه خاصی شده بود. مطالب طرح شده در کنفرانس، در یک چارچوب هنرمندانه، اطلاعات علمی - ورزشی را در اختیار متخصصان تندرستی و پزشکی، مربیان و ورزشکاران، کمک مربیان و دیگر علاقه‌مندان به سلامت و تندرستی زنان که در فعالیت‌های بدنی و ورزشی شرکت می‌کردند، قرار داد.

در عصر بعد از انقلاب صنعتی که بر اثر رنسانس و تحول علمی و فرهنگی، مسیر جدیدی در اوضاع سیاسی، اجتماعی و علمی جهان مشخص شد، نمی‌توان تاریخ دقیقی را در ورود زنان به جوامع ورزشی مشخص نمود؛ اما موضوع مسلم، این است که حقوقی که جوامع برای زنان قائل شدند و انگیزه‌هایی که بر اساس این نوع نگرش، برای زنان در نظر گرفتند، مشخص‌کننده تقدم یا تأخر این ورود می‌باشد؛ چرا که ورود زنان در جوامع ورزشی، مستلزم شرکت آنان در امور اقتصادی و سیاسی بوده است. شرکت زنان در ورزش متناسب با جنگ توسعه و به اصطلاح استقلالی پس از جنگ جهانی، بسیار فزاینده است. در بررسی تاریخ المپیادها، از قرن ۱۹، درست در سال ۱۹۰۰ در المپیاد پاریس، تعداد زنان شرکت‌کننده ۶ نفر بود، در سال ۱۹۰۴ در المپیاد، شرکت‌کننده زن وجود نداشت و بعدها در سال ۱۹۲۴ در المپیاد «پاریس»، ۱۳۶ نفر شرکت کردند. این ارقامی است که حاکی از افزایش تعداد شرکت‌کنندگان زنان می‌باشد و بالاخره زنانی که برای شرکت در بازی‌های



المپیک مبارزات بسیار داشتند، در سال ۱۹۰۰ اجازه شرکت در دورشته گلف و تنیس را یافتند و دوپله از سکوه‌های افتخار را کسب کردند.

از آنجا که زنان نیمی از جامعه بشری را تشکیل داده و از جهات مختلف دارای اهمیت هستند؛ لذا باید در برنامه‌ریزی‌های گوناگون جامعه، در نظر گرفته شوند. یکی از اموری که در زندگی اجتماعی زنان مطرح است، ورزش است. امروزه زنان زیادی در سطح جهان به ورزش‌های مختلف اشتغال دارند. گروهی ورزشکار حرفه‌ای و تعدادی ورزشکار آماتور هستند. گروهی به ورزش‌های سبک می‌پردازند و برخی به ورزش‌های سنگین و خشن؛ گروهی از آنان برای رسیدن به مقامات و قهرمانی تلاش می‌کنند و برخی برای حفظ سلامتی یا تناسب اندام می‌کوشند و عده بیشتری از زنان نیز با ورزش و ورزشکار، بیگانه هستند یا حتی از آن بیزارند. حال باید دانست که کار کدامین گروه از این زنان صحیح بوده و به صلاح نزدیک‌تر است. زنان در جوامع کهن و باستانی بشدت از ورزش و حتی تماشای مراسم ورزشی منع می‌شدند، اما بالاخره پای آنان به ورزش و مسابقات ورزشی باز شد. در کتاب زن و ورزش (ص ۱۸ و ۱۹) چنین آمده است: «حتی در مراسم و آیین‌های ویژه مذهبی و اجتماعی که تا پیش از برپایی المپیاد در یونان باستان برگزار می‌شد و بعد از آن در المپیاد باستانی که به منظور پرورش جسم و روان نونهالان و جوانان ترتیب یافته بود و هر چهار سال یک بار برگزار می‌شد، زنان حق ورود و تماشا نداشتند و این ممنوعیت، آن‌قدر شدت و غلظت داشت که اگر زنی این قاعده و قانون را نادیده می‌گرفت و به تماشای مسابقات می‌رفت، محکوم به اعدام می‌شد. نخستین زنی که سنت مردسالاری را در عرصه ورزش و مسابقات میدانی در هم شکست، زنی بود به نام «هیپوهریا» که با تلاش و پشتکاری خاص، سرانجام پای زنان را به عرصه ورزش و میدان مسابقات ورزشی یونان باز کرد. چندی نگذشت که زنان موفق شدند تحت عنوان «هریا» برای اولین بار، مسابقاتی را در حضور مردان بر پا کنند و عرصه‌های نبرد ورزشی را زیر قدم‌های خود داشته باشند. ورزش زنان شامل رقابت‌های حرفه‌ای و آماتور در تمام رشته‌های ورزشی می‌شود. مشارکت زنان در ورزش به تدریج از قرن بیستم میلادی، به‌ویژه اواخر این قرن افزایش یافت. این افزایش تحت تأثیر تغییرات جامعه بود که روی برابری جنسیتی تأکید می‌کرد. البته میزان این مشارکت در هر رشته ورزشی و هر کشور تفاوت دارد. ورزش زنان در بعضی رشته‌ها و در برخی کشورها محدودیت‌هایی دارد یا این‌که در دنیا در بعضی رشته‌ها مانند تنیس و باله از ورزش مردان، دارای محبوبیت بیشتری است.



۳-۱- ورزش زنان در ایران

بانوان پیش از انقلاب در این برهه تاریخی عمدتاً در رشته‌های ورزشی تیمی و بعضاً به شکل محدود در حوزه انفرادی فعالیت می‌کردند. میزان امکانات و زیرساخت‌های ورزشی برای زنان حتی در شهرهای بزرگ مانند تهران هم اندک بود. قبل از انقلاب تنها ۷ رشته ورزشی، ۹ مربی و ۷ داور زن در رشته‌های مختلف ورزشی فعالیت می‌کردند و ماحصل آن حضور ۶ ورزشکار زن در رقابت‌های جهانی بود.

طی مطالعاتی که صورت گرفته، محدودیت‌هایی که برای بانوان در حوزه ورزش در ایران وجود دارد بسیار بیشتر از مردان است.

دینگل (۲۰۰۵) در تقسیم‌بندی موانع گرایش زنان به ورزش، این موانع را به سه دسته تقسیم می‌کند: دسته اول موانع عملی مانند کمبود وقت، بچه‌داری، ضعف بنیه مالی، کمبود حمل و نقل عمومی، امنیت شخصی و عدم دسترسی به تسهیلات ورزشی هستند.

دسته دوم موانع شخصی مانند نوع تلقی زنان از بدن، پوشاک و تجهیزات ورزشی، فقدان اعتماد به نفس و نفوذ والدین و بزرگترها می‌باشد.

دسته سوم نیز موانع فرهنگی - اجتماعی شامل حاکمیت فرهنگ مردانه در ورزش، پیش‌داوری‌های جنسیتی، سوءاستفاده‌های جنسی و عدم پوشش رسانه‌ای ورزش زنان است.

با بررسی موارد فوق به این نتیجه می‌رسیم که جامعه ایرانی بشدت تحت تأثیر این عوامل بوده و محرومیت برخی بانوان از حضور در رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی، به دلیل مخالفت همسران و هم‌چنین محدودیت‌های پوششی که برای آن‌ها وجود دارد، نشان‌دهنده کاهش مشارکت زنان در حوزه ورزش و بالتبع حقوق ورزشی زنان است.

۴- بررسی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت زنان در ورزش

در هر انسانی پس از تولد، هزاران خواسته و نیاز وجود دارد و طبیعتاً برای رسیدن به این خواست‌ها و رفع نیازها، موانع متعددی بروز می‌کنند. در خصوص تمایل زنان به ورزش و مشارکت در این زمینه در ایران، مطالعات زیادی صورت نگرفته، ولی تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که عوامل مختلفی در کاهش و افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی مؤثر بوده است. برخی از این عوامل عبارتند از:



- اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی بر نگرش به مشارکت ورزشی زنان تأثیر دارد. هر چه اعتماد اجتماعی افزایش یابد، نگرش به مشارکت ورزشی نیز بیشتر می‌شود. شارع‌پور و حسینی‌راد در تحقیقات خود نشان می‌دهند که افزایش اعتماد اجتماعی اثر فزاینده‌ای بر مشارکت ورزشی دارد.

کلمن معتقد است که اعتماد، قدرت عمل کردن را تسهیل می‌کند. (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۹۷) اعتماد، تسهیل‌کننده مبادلات در فضای اجتماعی است و هزینه مبادلات و مشارکت را کاهش می‌دهد. بنابراین هر چه اعتماد اجتماعی بیشتر باشد، مشارکت زنان نیز بیشتر خواهد بود. در این رابطه غفاری و ازکیا نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت ورزشی زنان»، بر تأثیر مستقیم این مسئله در مشارکت ورزشی آنان اذعان داشته‌اند. (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰)

- میزان تحصیلات

میزان تحصیلات نیز از دیگر عوامل تعیین‌کننده درصد مشارکت زنان در حوزه‌های مختلف ورزشی است. تحقیقاتی که کشکر انجام داده، نشان می‌دهد که زنان دارای تحصیلات دیپلم و پایین‌تر اصلاً در فعالیت‌های ورزشی شرکت نمی‌کنند، در حالی که افراد دارای تحصیلات عالی با درصد بسیار کمتری، در ورزش مشارکت ندارند و سطح مشارکت آنان بسیار بالاست. (احسانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۷۷)

هم‌چنین تحقیقات دستغیب (۱۳۷۸) نیز نشان داد که زنان دارای تحصیلات بالاتر از عوامل بازدارنده کمتری در مشارکت ورزشی برخوردارند و بنابر این سطح مشارکت آنان بسیار بالاست. بر اساس نتایج به‌دست آمده از تحقیقات فوق به این نتیجه می‌رسیم با توجه به این‌که هنوز در برخی نقاط کشورمان تحصیلات زنان با محدودیت‌هایی مواجه است، اما میزان مشارکت آنان در تمامی سطوح از جمله ورزش پایین است و هنوز به حد مطلوب خود نرسید است. هر چند در این حوزه پیشرفت‌های فراوانی صورت گرفته، ولی هم‌چنان جای پیشرفت و تعالی وجود دارد.

- سن زنان

مطالعات نشان می‌دهد هر چه سن زنان افزایش می‌یابد، میزان مشارکت آنان در فعالیت‌های ورزشی نیز افزایش یافته و به مراتب بیشتر می‌شود. طی تحقیقات انجام شده، عواملی مانند سن و وضعیت تأهل باعث افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی می‌گردد و نیاز آنان به ورزش بیشتر حس می‌شود.

(احمدی و کارگر، ۱۳۹۲: ۲۰۳)



با بررسی موارد فوق به این نتیجه می‌رسیم که برای حضور فعال زنان در عرصه ورزش و پرداختن به حقوق ورزشی آنان، باید به اصلاح نظام خانواده، دیدگاه‌ها، فرهنگ و نگرش جامعه نسبت به حقوق زنان در جامعه پرداخت و باور زنان را تغییر داد و به آنان آموخت که ورزش در رشد و تعالی توانایی‌های آنان تأثیر بسزایی دارد.

۵- حقوق ورزشی زنان بعد از انقلاب اسلامی

سال ۱۳۶۰ را می‌توان سرآغاز تشکیلات ورزشی زنان در دستگاه ورزش کشور به‌شمار آورد. در این سال هدایت فعالیت‌های ورزشی زنان به عهده کمیته‌ای تحت عنوان «کمیته ورزش بانوان» گذاشته شد و این کمیته فعالیت خود را به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های دفتر امور مشترک فدراسیون‌های ورزشی آغاز کرد. بر اثر تغییر و تحولاتی که در سال ۱۳۶۴ در دستگاه ورزش کشور صورت گرفت، توجه مسئولان سازمان تربیت بدنی به ورزش زنان جلب شد و با تغییرات سازمانی گسترده‌ای که در سال ۱۳۶۵ و با یاری سازمان امور استخدامی کشور در سطح سازمان تربیت بدنی رخ داد، تشکیلات سازمانی ورزش زنان به مدیریت ورزش زنان تبدیل شد و زیرمجموعه یکی از مدیریت‌های تحت پوشش معاونت فرهنگی - آموزشی سازمان تربیت بدنی قرار گرفت. شروعی که حالا بعد از سال‌ها، می‌توان نتیجه مثبت آن را به وضوح دید.

لیدافریمان نخستین بانوی ایرانی بود که بعد از انقلاب اسلامی در رقابت‌های بین‌المللی شرکت کرد. او در رقابت‌های آسیایی ۱۹۹۴ هیروشیما حضور داشت، البته این رقابت‌ها برای او مدالی به همراه نداشت، اما لیدافریمان و لیلا تقی‌پور، ورزشکاران تیریزی ایران موفق شدند رکوردی بالاتر از حداقل ورودی المپیک را در این رقابت‌ها کسب کنند. این امر شروعی موفقیت‌آمیز برای بانوان ایرانی محسوب می‌شد.

اولین مدال بین‌المللی ورزش زنان کشور، بعد از انقلاب، در بازی‌های آسیایی ۲۰۰۲ بوسان به دست آمد که یک مدال نقره تیمی در رشته تیراندازی بود. بعد از آن در بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ دوحه بود که با کسب سه مدال برنز در رشته‌های تکواندو و شطرنج، حضور بانوان ایرانی در رشته‌های مختلف به رسمیت شناخته شد.

اما بازی‌های آسیایی ۲۰۱۰ گوانگجو، میدان مهمی بود که ورزش زنان را با تحولی عظیم روبه‌رو کرد. کاروان ورزش کشورمان در حالی با ۳۶۲ ورزشکار راهی بزرگ‌ترین رویداد ورزشی قاره کهن شد که از این تعداد ۸۸ نفر زن بودند. در این بازی‌ها، خدیجه آزادپور در رشته ووشو موفق شد به عنوان اولین



ورزشکار زن ایرانی بعد از انقلاب، صاحب مدال طلا شود و این افتخار ارزشمند را به نام خود ثبت کند. سهم زنان از بازی‌های ۲۰۱۰ گوانگجو یک مدال طلا، پنج نقره و ۹ برنز بود.

در بازی‌های المپیک و پارالمپیک ۲۰۱۲ لندن نیز ایران با هشت ورزشکار شرکت کرد. بهترین عنوانی که بانوان در این بازی‌ها به دست آوردند و دور از انتظار بود، کسب عنوان ششمی الهه احمدی بود. اما اتفاق مهم در بازی‌های پارالمپیک (جانبازان و معلولان) رقم خورد که در آن زهرانعمتی در رشته تیراندازی با کمان به عنوان اولین زن تاریخ ورزش ایران موفق شد در بزرگ‌ترین رویداد ورزشی دنیا صاحب مدال طلا شود.

رشد ورزش زنان از بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن ادامه داشت تا به بازی‌های آسیایی ۲۰۱۴ اینچئون رسید. کاروان زنان با این‌که در مقایسه با دوره قبلی با تعداد ورزشکار کمتری (۵۸ نفر) در بازی‌های آسیایی شرکت کرده بود، اما تعداد مدال بیشتری را کسب کرد. در تپانچه بادی ۱۰ متر، نجمه خدمتی مدال طلا گرفت و نرجس امام‌قلی نژاد موفق به کسب مدال نقره شدند و در تپانچه تیمی ۱۰ متر زنان نیز سهم ایران مدال نقره بود. در دو و میدانی نیز لیلا رجیبی در پرتاب وزنه به گردن‌آویز نقره دست یافت. در قایقرانی نیز در کایاک یک نفره ۲۰۰ متر، آرزو حکیمی، مدال برنز، در اسلالم انفرادی، سونیا گماری، مدال برنز، در روئینگ یک نفره، سولماز عباسی‌زاده، مدال برنز و در روئینگ ۴ نفره زنان نیز مدال برنز به ورزشکاران ایرانی رسید. در کبده بانوان، ایران موفق به کسب مدال نقره شد. در کاراته، حمیده عباسعلی طلا گرفت، اما فاطمه چالاکلی و نسرین دوستی به برنز بسنده کردند. در تکواندو نیز تیم بانوان ایران به واسطه درخشش فاطمه روحانی و اکرم خدابنده به دو نقره دست یافت و سوسن حاجی‌پور نیز برنز گرفت. ضمن این‌که در ووشو نیز الهه منصوریان مدال نقره را از آن خود کرد.

سارا خادم‌الشریعه نیز در سال ۲۰۱۴ موفق به کسب عنوان دومی مسابقات شطرنج قهرمانی جوانان جهان شد.

با مطالعه موارد فوق به این نتیجه می‌رسیم که بی‌شک این موفقیت‌ها نوید روزهای درخشان ورزش بانوان ایران را در سال‌های آتی می‌دهد، موفقیتی که توانایی بانوی محجبه ایرانی را به رخ دنیا کشید و دنیا را وادار به احترام به زنان ایرانی نمود.

رهبر معظم انقلاب نیز حضور بانوان و دختران ورزشکار با رعایت حجاب شرعی در میدان‌های بین‌المللی را اقدامی فوق‌العاده، بسیار مهم و با ارزش دانستند. ایشان درباره اهمیت ورزش قهرمانی بانوان می‌فرمایند: «مسئله بانوان و دختران ورزشکار ما که با حجاب به میدان می‌روند، بسیار



مهم است. در کشوری از کشورهای اروپا، یک زن را به جرم با حجاب بودن، ترور می‌کنند و چاقو می‌زنند و می‌کشند. آن وقت در این فضا و در این کشورها، یک زن محجبه بر سکوی قهرمانی می‌ایستد و همه را وادار به تکریم و تجلیل از خود می‌کند. این کار خیلی با عظمت است. واقعاً همه باید از زنان ورزشکار ما که با حجاب و عفاف و متانت در میدان‌ها حاضر می‌شوند، تشکر کنند.»

(بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۱۲/۲۱)

ایشان هم چنین صعود بانوان ایرانی به قله اورست را نیز تحسین کرده و فرمودند: «واقعاً انسان احساس افتخار می‌کند که زنان جوان و با ایمان ما چنین حرکت عظیم و ارزشمندی انجام می‌دهند و مایه افتخار ایران می‌شوند. این خبر را که شنیدم، لذت بردم. وقتی عکس‌های صعود خانم‌ها را که در ارتفاع ۸۸۰۰ متری ایستاده بودند و پرچم یا زهرا را در دست گرفته بودند، دیدم، واقعاً احساس افتخار کردم. این کار بسیار بزرگی است. من تجلیل از شما را وظیفه خود می‌دانم و این کارها باید به مردم نشان داده شود.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۰۸/۳۰)

۶- دستاوردهای ورزشی زنان طی ۸ سال اخیر

در این بخش به صورت اختصاصی به بررسی دستاوردهای زنان در عرصه ورزش طی هشت سال اخیر می‌پردازیم تا متوجه شویم روند رو به رشد بانوان ایرانی در فعالیت‌های ورزشی تا چه حدی بوده است:

– کسب نخستین مدال زنان در تاریخ بازی‌های المپیک توسط کیمیا علی‌زاده در رشته تکواندو (المپیک ۲۰۱۶ برزیل) در سال ۹۶.

– رکورد کسب ۹ سهمیه زنان در بازی‌های المپیک ۲۰۱۶ برای نخستین بار در سال ۹۵.

– افزایش تصدی ریاست فدراسیون‌های ورزشی از سوی بانوان از یک به سه نفر و حضور بیش از هشت هزار و ۹۹۲ زن در مناصب مدیریتی ورزش کشور.

– رشد پنج برابری دختران قهرمان ایران در بازی‌های المپیک جوانان آرژانتین و صعود ۱۷ پله‌ای.

– احیاء فدراسیون اسلامی ورزش زنان باهدف توسعه ورزش قهرمانی بانوان در عرصه‌های بین‌المللی سال ۹۷.

– طراحی و اجرای طرح‌های ملی «سنجش قامت و حرکت ویژه زنان و دختران روستایی، ۳۰ دقیقه تا

نشاط، فراغت با ورزش ویژه بانوان شاغل و غیرشاغل، پیرامیدهای ورزشی در استان‌های سراسر کشور با مشارکت بیش از ۸۰۰ هزار نفر.



- افزایش ۵۰ درصدی اعتبارات ورزش همگانی زنان.
- افزایش تعداد اماکن ورزشی ویژه زنان به ۴۴۰ سالن ورزشی.
- تعمیق دیپلماسی فرهنگی — ورزشی در عرصه‌های بین‌المللی با فعال‌سازی فدراسیون اسلامی ورزش زنان.
- برگزاری ۱۵ نشست کارگروه تخصصی سامان‌دهی لباس اعضای تیم‌های ملی بانوان با هدف حفظ و صیانت از فرهنگ عفاف و حجاب و ارزش‌های فرهنگی در رقابت‌های ورزشی ملی و بین‌المللی.
- حمایت و راهبری برنامه‌های فرهنگی تیم‌های ملی بانوان در راستای ترویج صیانت و پاسداشت ارزش‌های اخلاقی و معنوی ورزش کشور.
- تدوین منشور عفاف و حجاب ورزش بانوان با هدف ارتقاء فرهنگ اسلامی — ایرانی در محیط‌های ورزشی و تقویت الگوهای رفتاری مطلوب.
- برگزاری دوره‌های آموزشی توانمندسازی با رویکرد تربیت عوامل فنی و اجرایی تیم‌های ملی ورزش بانوان.
- طراحی و برگزاری دوره آموزشی سواد فضای مجازی ویژه نواب رئیس، سرپرستان و سرمربیان بانوان تیم‌های اعزامی به بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ جاکارتا با هدف آموزش و توانمندسازی مخاطبان ورزشی در حوزه افزایش سواد فضای مجازی طراحی. (سایت جامعه خبری تحلیلی الف: ۱۳۹۸)
- عضویت سارا خادم‌الشریعه در کمیسیون ورزشکاران فدراسیون جهانی شطرنج و راه‌یابی عاطفه احمدی به مانس دوم ماریچ بزرگ قهرمانی جهان برای نخستین بار در اسکی زنان ایران در سال ۱۳۹۹.
- موارد فوق‌گویی این مسئله است که به موضوع ورزش زنان در کنار سایر مسائل مهم پرداخته شده و در برنامه‌ریزی‌های کلان‌کشوری مورد اهمیت قرار گرفته است. هر چند هنوز راه درازی تا ایده‌آل شدن و احقاق کامل حق ورزشی زنان و آزادی‌های ورزشی آنان وجود دارد.
- امروزه بعد از گذشت ۴ دهه از عمر انقلاب، دستاوردهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و فنی و به طور کلی جایگاه ورزش بانوان نه با قبل انقلاب، بلکه با هیچ دوره تاریخی دیگری قابل قیاس نیست. هم‌اکنون در نقطه‌ای ایستاده‌ایم که دستاوردهای انقلاب را پیش چشم جهانیان قابل تأمل ساخته است. اختصاص برخی پارک‌های تهران و شهرستان‌ها به ورزش صبحگاهی زنان، افزایش ۳۰ برابری



تعداد تأسیسات ورزشی اختصاصی بانوان در بخش‌های دولتی و خصوصی، افزایش حضور چشمگیر بانوان و دختران اسلامی در تورنومنت‌های بین‌المللی به بیش از ۱۲ هزار نفر، افزایش تنوع رشته‌های ورزشی به بیش از ۳۸ رشته، افزایش تعداد مربیان و داوران بانو به بیش از ۳۵ هزار مربی و ۱۶ هزار نفر، بهبود و توسعه تشکیلات سازمانی ورزشی زنان برای انجام ورزش همگانی، مقبولیت حجاب نزد فدارسیون‌های جهانی و متقاعد کردن آن‌ها به پوشش اسلامی و افزایش و ارتقاء سطح ورزشکاران حرفه‌ای زنان در مسابقات جهانی، کسب موفقیت‌های بی‌شمار و مدال‌های رنگارنگ آن هم با حجاب و پوشش اسلامی، به عنوان مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی در حوزه ورزش بانوان بعد از انقلاب مطرح است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نتیجه‌گیری

مطالعه موارد فوق نشان می‌دهد زن در جامعه و در ساخت‌های فردی و جمعی، زمانی می‌تواند اثر مثبت و سازنده داشته باشد که از جایگاه و حقوق حقه خود، آگاهی داشته و از آن‌ها بهره‌بردار شود. محروم نمودن زنان از حقوق گوناگون خود، در حقیقت بی‌بهره ساختن و ضربه زدن به جامعه‌ای است که در آن نیمی از افراد، کارکرد و وظایف شهروندی خود را به درستی انجام نمی‌دهند. همان‌گونه که در روند این نوشته مشخص شد، زنان ایرانی به صورت تدریجی از حقوق خود برخوردار شده و در کنار تمامی حقوق آنان، حق ورزشی آن‌ها نیز نادیده گرفته نشده و بعد از انقلاب پیشرفت چشمگیری داشته و هم‌چنان روند صعودی این موضوع مشخص و مبرهن است و امید داریم تا زنان به جایگاه درخور و شایسته خود در تمامی زمینه‌ها از جمله حق ورزشی خود برسند.

اگر چه بانوان ورزشکار ایرانی در این زمینه هنوز هم با چالش‌های عمده‌ای مواجه هستند، اما با تلاش فراوان و به رغم تمام کمبودها و کاستی‌ها توانستند با حضور فعال خود، مقبولیت حجاب را نزد فدراسیون‌های جهانی جا انداخته و آن‌ها را متقاعد به استفاده از پوشش اسلامی کنند. به طوری که در حال حاضر بانوان ورزشکار ایرانی نه تنها به مهره‌هایی مقتدر در ورزش جهان تبدیل شده که چشم جهانیان را نیز به واسطه حجاب اسلامی خود خیره کرده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. احسانی، محمد؛ کوزه‌چیان، هاشم؛ کشکر، سارا (۱۳۸۶)، «بررسی و تجزیه و تحلیل عوامل بازدارنده و میزان مشارکت زنان شهر تهران در فعالیت‌های ورزشی تفریحی»، مجله پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۱۷.
۳. ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰)، «بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان»، مجله‌نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷، صص ۶۳-۸۷.
۴. آیت‌اللهی، زهرا (۱۳۸۰)، «زن، دین، سیاست»، تهران، سفیر صبح، صفحه ۲۳.
۵. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فاتحان قله اورست»، ۱۳۸۵/۰۸/۳۰.
۶. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مدال‌آوران المپیک و پارالمپیک»، ۱۳۹۱/۱۲/۲۱.
۷. دستغیب، فاطمه (۱۳۷۸)، «موانع اجتماعی - فرهنگی توسعه ورزش بانوان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد تهران مرکز.
۸. سایت جامعه خبری تحلیلی الف (۱۳۹۸)، «فهرست دستاوردهای ورزش ایران در زمان دولت روحانی»، ۲۵ مرداد.
۹. شان‌پور، محمود؛ حسینی‌راد، علی (۱۳۸۷)، «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی، مطالعه موردی شهروندان ۱۵-۲۹ ساله زابل»، مجله حرکت، ش ۳۷، صص ۱۳۱-۱۵۳.
۱۰. علامه مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۲)، «بحارالانوار»، ترجمه علی رضا بهار دوست، جلد ۱۹.
۱۱. علامه مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۲)، «بحارالانوار»، ترجمه گروه مترجمان، مؤسسه انتشارات کتاب نشر، جلد ۵۲.
۱۲. «قانون اساسی»، اصول ۲۱، ۲۰ و ۳.
۱۳. قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۴)، «بازپژوهشی حقوق زن»، تهران: انتشارات روز نو.
۱۴. کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، «بنیادهای نظریه اجتماعی»، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران.
۱۵. «نهج البلاغه»، ترجمه علی نقی فیض الاسلام، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت، خطبه ۲۲۰.
16. Dingle L. Women in sport, overcoming barriers to participation. 3rd Annual Coaching Conference: University of Exeter; 2005.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی